



رئیس جمهور بلاروس ، وارد تهران شد

### تحکیم مودت با روسیه سفید

دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ - ۲۰ شعبان ۱۴۴۴ - ۱۳ مارس ۲۰۲۳

# شهر

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



انتخاب امیر قلعه نویی قطعی شد

### بازگشت ژنرال به تیم ملی ایران

سال هفتم - شماره ۲۱۴۳ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

ازدواج زودهنگام دختران معضلی که گرفتار حاشیه می‌شود

## کودک همسری گرفتار نگاه سیاسی

**همدلی** | مسئله کودک همسری و نتایج منفی‌ای که دارد به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات حوزه زنان و خانواده در چند دهه اخیر همواره حضور پر رنگ در رسانه‌ها داشته است. برای فهم بهتر موضوع ابتدا نگاه کنیم به تعریف کودک همسری.

## ادامه چالش مجلس با نقش نظارتی مجمع تشخیص

## نصب موشک‌های کروز ایران بر روی بالگرد

## سناریوی احتمالی بازار مسکن در سال آینده

## رابطه بایدن - نتانیاهو در مرز شکراب

## مکبود ۴۰ درصدی بارش در تهران بارش‌هایی تاثیر در خشک‌سالی پایتخت

## فعل وانفعالات طلای سیاه زیر ذره‌بین تحلیل‌گران اقتصادی

# نفت در انتظار آثار توافق ایران و عربستان

**همدلی** | قیمت نفت در بودجه سال آینده، به طور میانگین ۸۵ دلار برای هر بشکه پیش‌بینی شده و نرخ محاسباتی دلار حاصل از صادرات نفت برای بودجه، ۲۳ هزار تومان در نظر گرفته شده است. تحت چنین شرایطی حالا یکی از سوالاتی که اذهان عمومی را درگیر کرده، تاثیر توافق ایران و عربستان بر بهای طلای سیاه است؛ تاثیری که می‌تواند درآمدهای کشور را دستخوش تغییرات کند. به گفته علی سخمتانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، این توافق امنیت منطقه را توسعه می‌دهد و همکاری‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس را افزایش می‌دهد؛ توافقی که بازارهای جهانی به خصوص بازار نفت را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند



گشتی در کوه‌باغ خاطرات در سالروز تولد استاد فرهاد فخرالدینی

## رادیویی که معجزه کرد



تحلیل رویکرد تازه دولت توسط فلاحی پیشه در گشت‌و‌گو یا همدلی:

# باید از میانه‌روی استقبال کرد

## سورگالو

**کدام تخریب؟ کدام سازمان‌دهی؟**  
**محمدجواد پهلوان**  
مدرس دانشگاه  
طی روزهای گذشته برخی از حامیان ابراهیم رئیسی مدعی شده‌اند که عده‌ای به صورت سازمان‌دهی شده در حال تخریب رئیس‌جمهور هستند. استدلال آنان هم این است که حجم تخریب‌ها بی‌سابقه است و نشانه‌های هماهنگی در آن دیده می‌شود. شرح در همین صفحه

**توافق با عربستان؛ حاکمیت یا دولت؟**  
**رضا صادقیان**  
روزنامه‌نگار

**لزوم ارائه تصویری از دنیای پس از ظهور**  
**حسن دادخواه**  
مدرس دانشگاه

**خرید خودرو، شعبده جدید اقتصاد ایران**  
**عباس مدحجی**  
روزنامه‌نگار

**رابطه خردمندی با صلح و آرامش**  
**محمدعلی نویدی**  
مدرس دانشگاه

## سرمقاله

### کدام تخریب؟ کدام سازمان‌دهی؟

**محمدجواد پهلوان** - طی روزهای گذشته برخی از حامیان ابراهیم رئیسی مدعی شده‌اند که عده‌ای به صورت سازمان‌دهی شده در حال تخریب رئیس‌جمهور هستند. استدلال آنان هم این است که حجم تخریب‌ها بی‌سابقه است و نشانه‌های هماهنگی در آن دیده می‌شود. البته قبل از ورود به بحث اصلی این نکته را باید متذکر شوم که معمولاً در تمام دولت‌ها چنین رفتار و سخنانی را از سوی حامیان آنان شاهد هستیم. حال این که چقدر صحت دارد می‌تواند محل تامل و بررسی باشد. در واقع یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند محل رجوع و نتیجه‌گیری باشد، میزان یک‌دستی حاکمیت است. زمانی که دولت و سایر نهادهای حاکمیتی هم‌عقیده و هم‌فکر هستند، طبعاً طرح سخنانی از قبیل تخریب سازمان‌دهی شده محلی از اعراب ندارد و بیشتر نمایشی رسانه‌ای است. شما زمانی می‌توانید چنین ادعایی را مطرح کنید که دولت با سایر ارگان‌های حاکمیتی زاویه فکری و عملیاتی داشته باشد. نمونه بارز آن را ما در دولت‌های سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی شاهد بودیم. فراموش نباید کرد خدمت تخریب‌های سازمان‌دهی شده در دولت اصلاحات به قدری جدت و حدت داشت که کار به ترویر فیزیکی بزرگ‌ترین تئورسین دولت وقت (سعید حجریان) نیز کشید. یا در دولت حسن روحانی شاهد بودیم در حالی که تیم دیپلماتی کشور در غرب در حال چانه‌زنی‌های نفس‌گیر برای رسیدن به توافق هسته‌ای بود، در داخل کشور عده‌ای در حال تحرکات ایدئولوژیک و شعارهایی تحریک‌آمیز برای طرف‌های مذاکره کننده، بودند تا به نوعی کاشته‌ها و داشته‌های دولت در جریان مذاکرات بر باد رود. وگرنه اینکه چند رسانه رسمی چند انتقاد سبک و آن هم با ترس و لرز به رئیس‌جمهور کنونی می‌کنند، نشان دهنده تخریب سازمان‌دهی شده نیست! اگر هم مراد شبکه‌های اجتماعی است، که باید گفت به نسبت حضور مخالفان و منتقدان چندین برابر افرادی تحت عنوان ارتش سایبری وجود دارند که با گرفتن دستمزد در حال تبلیغات شدید در جهت منویات دولت رئیسی هستند. فلذا باید تاکید کرد فقره تخریب سازمان‌دهی شده هیچ نسبتی با این دولت ندارد.

اما بحث اصلی این یادداشت این نکته است که اگر هم تخریبی در جریان است، این خود رئیس‌جمهور است که در حال تخریب خود است؛ در واقع عملکرد پراشکال و پرتقص ابراهیم رئیسی باعث شده حجم انتقادها و گلایه‌ها از دولت در کف جامعه شدت گرفته و این تصور ایجاد شود که سازمان‌دهی در جریان است. این در حالی است که وضعیت اقتصادی و معیشتی آن‌قدر اسفناک و دلهره‌آور است که جای دفاع و حتی سکوت هم باقی نگذاشته است. این روزها شاهد هستیم که حتی حامیان سفت و سخت دولت رئیسی در جامعه و حتی مجلس هم بر ناتوانی دولت در تمام امور از جمله کنترل قیمت سبب زمینی و پیاز اذعان دارند. بنابراین حامیان رئیسی باید اشکال را در خود و جستجو کنند؛ نه چند رسانه و افرادی که تنها واکنش‌شان انتقاد از شرایط موجود است. از صدر تا ذیل حاکمیت کاملاً همسو با این دولت است و رسانه‌های رسمی نیز موقفی که بنای انتقاد دارند، یکی به میخ می‌زنند یکی هم به نعل. پس دقیقاً مشخص نیست از کدام تخریب سازمان‌دهی شده سخن گفته می‌شود.

به نظر بهتر است مدعیان در این زمینه اطلاعات دقیق‌تر و روشن‌تری را منتشر کرده تا مشخص شود دقیقاً چگونه دولت در معرض تخریب سازمان‌دهی شده قرار گرفته است. هر چند به نظر می‌رسد اگر برای پیداکردن محرک این انتقادات و تخریب‌ها ادعا شده، منصفانه بررسی شود، ما در نهایت به نام «سید ابراهیم رئیسی» می‌رسیم!

## یادداشت

### خرید خودرو، شعبده جدید اقتصاد ایران

**عباس مدحجی** - حتماً طی چند روز اخیر جستجو و گریخته از طرح جدید ثبت نام خرید خودرو از دو خودرو ساز کشور مطلع شده‌اید. نصف پول (حدود ۱۳۰ میلیون تومان) را در حساب و کالته بانک‌های طرف قرار داد و ااریز می‌کنید، ۷۲ ساعت قبل از پایان زمان ثبت‌نام همه موارد را طی می‌کنید تا فقط بتوانید وارد قرعه‌کشی شوید. پول شما تا بعد از اعلام نتایج بلوکه می‌شود و احتمالاً آن چند روز بلوکه را باید با دعا برای پیروزی در این رقابت نفس‌گیر طی کنید. اگر هم ۱۳۰ میلیون تومان پول نقد ندارید باید طلا یا دلارهایتان را که به‌شکل عجیبی نرخ‌شان تا قبل ثبت‌نام کاهش یافته بفروشید، چند روزی در بانک بلوکه کنید و بعد که پیروز نشدید باید مجدداً تبدیل‌شان کنید به طلا یا دلاری که به طرز عجیب‌تری نرخ‌شان صعود کرده. به همین راحتی مقدار زیادی از ارزش سرمایه‌هایتان به نفع سناریونویس‌ها باخته‌اید.

همه ما خاطرات کلیشه‌ای پدر و مادرها یا پدربزرگ و مادر بزرگ‌هایمان را در باره خرید خانه در گذشته با پول یک ماه حقوق الان یا خرید خودرو با پول پفک الان شنیده و احتمالاً ضمن تعجبی نمادین، بسیار حسرت خورده‌ایم. خاطراتی که براحتی تغییر ارزش پول و میزان تورم طی چند دهه را تصویر می‌کند و به شکل واضح و ساده‌ای نشان می‌داد. شاخص‌های اقتصادی در گذشته چگونه دستخوش حوادث و مدیریت‌ها قرار گرفته‌اند که امروز به این حال زار در آمده‌اند. ادبیات عمده امروز تمام ایرانیان پُر از نگرانی‌های اقتصادی است، کار از مشورت و تحلیل گذشته و نصف مکالمات صرف تعجب از قیمت‌ها و مقایسه با روز قبل می‌شود.

هر انسان داوراندیش و محاسبه‌گری بخشی از درآمد خود را ذخیره یا تبدیل به سرمایه می‌کند. نسخه‌ای که در ایران زورش به سرعت تورم نمی‌رسد و طبیعتاً آنچه حاصل می‌شود هزینه زندگی دپیروز و نه حتی امروز است. به بیان دیگر هرچقدر تلاش می‌کنید تا درآمد اضافی کسب کنید یا سودی از معامله یا کاری استحصال کنید، نه تنها تبدیل به ارزش افزوده یا سرمایه زندگی نمی‌شود که صرف نگه داشتن چیزهایی می‌شود که تا الان داشتید. به عبارتی دیگر در این اوضاع کشور، شما با حفظ وضع و ارزش موجود هم خوشحال می‌شوید و آملیدی به افزایش سرمایه ندارید. بازاری سود پار قبلی را صرف خرید بار جدید می‌کنند، خدماتی نگران تجهیزاتی است که قیمت‌شان روز به‌روز بیشتر می‌شود و کارمند و حقوق‌بگیر هم در بی‌چاره‌ترین حالت ممکن نظاره‌گر افتخوخیز کلان بازار است.

اقتصاد در ایران همیشه مشکلی اساسی بوده و بررسی شاخصه‌هایی مثل تولید ناخالص داخلی، تورم، بودجه سالانه، یارانه، قدرت ارز، تراز تجاری و امثالهم به‌خوبی نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی کشور در گذشته دهه به دهه، سپس سال به سال و امروز روزبه‌روز بغرنج‌تر و گره آن کورتر شده است. وضعیتی که نسبت مستقیمی با جزئی‌ترین بخش‌های زندگی تک به تک شهروندان دارد و آموزش، بهداشت، اشتغال، رفاه، امنیت، قانون‌مداری، وضعیت روانی، و حتی اخلاقیات و اعتقادات از آن متاثرند. و اصولاً سؤال اساسی این است که برای دوام آوردن و رشد مالی در این جامعه و تضمین بخشی از آینده مالی واقعاً چه باید کرد؟ وقتی به این حقیقت واقف می‌شویم که سکه ما سی میلیون تومان نشده، بلکه سی میلیون ما یک سکه شده!

شاهد دیگر این موضوع مناظره‌های معروف انتخابات ریاست جمهوری است. مناظره‌هایی که بیش از اینکه سواد سیاسی و عملکردها را در ترازو بگذارد، یکی در میان وعده‌ها و نقدها را متوجه وضعیت مالی و اصطلاحاً جیب مردم می‌کرد. نامزدهای انتخاباتی دانما خود را در تیم جیب مردم جا می‌زدند و از عملکرد رقبای در قتل عام اقتصاد انتقاد می‌کردند. از وعده‌های چند برابر شدن یارانه‌ها بدون افزایش قیمت‌ها تا قول برای ترمیم بازارهای سرمایه از مسکن گرفته تا طلا و ارز حتی فراتر با وعده زمین خوردن دلار در برابر ارزش ریال. رو کردن چاله‌های عمیقی که هر طیف برسر راه اقتصاد کشور کند بود و میلیاردها سرمایه مردم را به بی‌غما برده بود هم از بخش‌های جذاب و تیسرت‌برانگیز بود.

چهار بازار اصلی، فعال و تاثیر گزار سرمایه در کشور چنان نوساناتی را تجربه می‌کنند که مرزهای کف و سقف را شکسته و تمام قاعده‌های اقتصادی را جا گذشته‌اند. صعود تقریباً عمودی نرخ ارز و سقوط ارزش ریال در برابر آن از جمله خف‌کنان‌ترین بازارهاست. شاید هیچ شغلی به اندازه دلالی در ایران پرسود نباشد. معامله‌های دائم و طبق نرخ روز بدون تعهد و تضمین و حتی فایده‌بر اقتصاد جامعه.

## یادداشت

### لزوم ارائه تصویری از دنیای پس از ظهور

**حسن دادخواه** - در ماه شعبان و نیمه این ماه، به مانند همه سالیان پیشین و دست‌کم در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، که موضوع غیبت حضرت حجت(عج)، به نوعی ملموس‌تر به زندگانی و حکومت، گره خورده است، بار دیگر و به‌ویژه در رسانه‌های مجازی، رهبری روحانیت شیعه و باورمندان به ولایت سیاسی فقیه، و فواید غیبت آن حضرت، مطرح شد و کاربران از نگاه تاریخی، دینی، فرهنگی و سیاسی به واکاوی این موضوع پرداختند.

واژگان پایه‌ای در این بحث، از دیرزمان تاکنون، کلیدواژه‌هایی چون غیبت، انتظار، ظهور، حکومت عدل، منجی و امید بوده است زیرا این موضوع، افزون بر جنبه تاریخی و روایی، دربرگیرنده مسائلی دیگری در حوزه حکمرانی، سیاست‌های روز حکمرانی تا پیش از ظهور و مانند آن بوده‌است. در پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری روحانیت شیعه و باورمندان به ولایت سیاسی فقیه، بحث غیبت امام دوازدهم دست‌کم در سخنرانی‌های مقامات، به حکومت کنونی در ایران نیز مربوط شده است. از این‌رو، خواهی نخواهی، در بررسی و نقد عملکرد جمهوری اسلامی، بحث مهدویت به‌ عنوان یک تنوری سیاسی و حکومتی نیز مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، دسته‌ای از موضوعات فرعی و تاریخی و دینی دخیل در مساله غیبت، نیازمند باور عمیق قلبی است و پای استدلال و کبری و صفای منطقی و علمی در آن، چوبین و سست است. حال، این مساله با تلقی‌ها و نگرش‌ها و حال و هوای جهان ذهنی و عینی نسل جوان امروزین، چگونه و با چه کیفیتی همراه شده، موضوع دیگری است و پاس‌نگویی به این نسل پرسشگر را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است.

به نظر می‌رسد در این میان، خط میانه و اعتدال را گرفتن و به پیش رفتن، منطقی‌ترین کار است. گره زدن میان انتظار و ظهور و امیدواری به بهبودی جهان و انجام تغییرات مثبت در وضع نابه‌نجار جهانی، شاید بتواند موضوع غیبت را، تا حدودی برای نسل جوان، سودمند و قابل تامل کند.

ما انسان‌ها و به صورت جزئی‌تر مسلمانان و به ویژه شیعیان چنانچه خویش را مخاطب ردیف اول و اصلی امام غالب بدانیم و بگوئیم ارزش‌های نیک انسانی را در خود به ظهور برسانیم و با عملکرد مثبت، در پیرامون خویش، امیدواری و نشاط و سرزندگی تولید کنیم و هرچند محدود، با ایجاد تغییرات و اصلاحات، جامعه خود را به جامعه‌ای نمونه و الگو همراه با عدالت اجتماعی نسبی اداره کنیم، بی‌گمان، موضوع تیسرت‌برانگیز و منطقی و دوست‌داشتنی کرده‌ایم.

به سخن دیگر، در کنار بررسی‌های تاریخی و حدیثی و روایی در موضوع غیبت، شایسته است که ارزش‌های وابسته به آن، از اکنون و تا فرداهایی که همچنان مهم و ناشناخته است، توسط باورمندان به ظهور و انتظار گشایش جهانی، به نمایش گذاشته شود و بگوئیم الگو و نمونه کوچک و ناقص از جهان پس از ظهور به دست دهیم.

## یادداشت

### توافق با عربستان؛ حاکمیت یا دولت؟

**رضا صادقیان** - سیاست خارجی تفاهم‌نامه با عربستان سعودی و عادی‌سازی روابط مقایسه مفهوم کلان حاکمیت و نه دولت‌ها است.

معنای مفهوم حاکمیت در دانش سیاسی، تنها به دولت و اشخاص مربوط نمی‌شود، بلکه نشانه روشن‌ترین قدرت کلان در ساختار سیاسی یک کشور است. قدرتی که فراتر از سیاست‌های داخلی دولت‌ها تعبیر می‌گردد. تصمیمی که در آن دولت‌ها نقش دارند، ولی نقش آنان به عنوان حاکمیت تعریف نمی‌شود، به عبارتی دیگر دولت‌ها نقش مجری سیاست‌های حاکمیت را برعهده دارند و خودشان به صورت مستقیم و در هیچ زمانی نمی‌توانند در حوزه سیاست خارجی سیاست‌گذار باشند. اشخاص نیز با تمام نفوذی که در ساختار قدرت دارند، تنها بخش کوچک و ناچیزی از یک حاکمیت معنا پیدا می‌کنند. همچنین جایگاه حاکمیت به عنوان مفهوم فریه در مباحث سیاست صرفاً به شخصیت‌های سیاسی، نهادهای دولتی و ساختارهای متفاوت نظام باز نمی‌گردد، بلکه تمام این وجوه را شامل می‌گردد.

تصمیم‌گیری درباره امضای تفاهم‌نامه با عربستان سعودی و عادی‌سازی روابط خارجی با کشورهای دیگر، آمدن مدیر کل آژانس انرژی اتمی به ایران و زمزمه بازگشت به برجام، معاهده‌هایی که به امنیت ملی، سیاست خارجی و واکنش‌های رسمی در حوزه بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند، تنها در گرو سیاست‌های حاکمیتی تعریف و فهم می‌شود. بنابراین دخیل کردن شخصیت‌های سیاسی شافل در دولت و یا بخش‌های خاص از دولت بیش از هر موضوعی به اختلاف دیدگاه‌ها و علایق مختلف در اداره کشور میان جریان‌های سیاسی و حتی چهره‌های سیاسی و اجتماعی بازی می‌گردد. به عبارتی روشن‌تر هر دو طرف بحث، موافقان و مخالفان قسم خورده ارتباط با عربستان، کشورهای غربی و آمریکا و احیای برجام به روشنی می‌دانند موضوعاتی مانند برجام، ماندن و یا خروج از آن به تصمیم حاکمیت ارتباط مستقیم دارد و نه سیاست‌های دولت‌های وقت، کلیت دولت‌های وقت نقش مجربان سیاست‌ها را دارند و پس، می‌توان گفت معادل قابل فهم‌تر مفهوم حاکمیت، نظام است. عبارتی که در نوشتار و گفتار مسئولان اجرایی، حقوقی و قضایی به وفور استفاده می‌گردد. اینکه تصمیم نظام این بوده است، نظام نطرش چنین است، نظر نظام است ... اما به نظر می‌رسد حداقل درباره امضای تفاهم‌نامه با کشور عربستان، احیای برجام و رفع تحریم‌ها برخی از چهره‌های رسانه‌ای با سادسازی مسئله و فروکاستن این تصمیم به دنبال تعریف ناقصی و بی‌معنا، از معنای حاکمیت نظام هستند.

در ماجرای تفاهم‌نامه اخیر برخی با نادیده گرفتن این همه به مسئولان وقت دولت سیزدهم تبریک می‌گویند؛ در این میان افراد و جریانی که به اشتباه گمان کرده بودند با بستن درهای کشور و همیدن در شیپور تخصص و یا گره زدن سفره مردم به مذاکرات، می‌توانند قدرت خویش را تنها با تکیه به منابع داخلی اثبات کنند، فراموش می‌کنند حتی در داخل دولت رویکردی مشخص در قبال این تفاهم‌نامه و عادی‌سازی شرایط با کشور عربستان و یا مذاکرات برجام وجود ندارد. برای درک بهتر این مسئله موضع‌گیری‌های وزیر امور خارجه و مسئول مذاکرات هسته‌ای را با همدیگر مقایسه کنید، یکی با ادبیاتی نرم و با هدف رسیدن به توافق، آن را قابل دسترس می‌داند و مهم‌تر آن که محدودیت‌های طرف‌های مقابل را نیز قبول می‌کند و دیگری در حال ترسیم جهان غیرواقعی، تعریف جهان چند قطبی که هنوز قطب‌های آن به صورت مصداقی و مشخص قابل دسترس نیست. برای روشن‌تر شدن معنای حاکمیت به سخنان مقام رهبری در سال جاری می‌توان اشاره کرد. ایشان در روز ۱۲ اردیبهشت با تأکید بر اینکه «سیاست خارجی در همه جای دنیا در مجامع بالادستی تعیین می‌شود و نه در وزارت امور خارجه، افزودند: «وزارت امور خارجه در تعیین سیاست‌ها مشارکت دارد اما تصمیم‌گیر نیست بلکه مجری است.» ایشان همچنین برای مشخص‌تر شدن مبحث آرایه شده، خاطر نشان کردند: «در کشور ما نیز سیاست خارجی در شورای عالی امنیت ملی با حضور مسئولان تعیین می‌شود و وزارت امور خارجه باید با شیوه‌های خود آن را اجرا کند.» بدون شک آنان که برای پیروزی دولت سیزدهم و به سرانجام رساندن تفاهم‌نامه ایران و عربستان جشن گرفته‌اند مرتبه‌ای دیگر سخنان مقام رهبری را بخوانند و دقیقاً متوجه شوند تعیین سیاست خارجی در مجامع بالادستی صورت می‌گیرد و دولت‌ها نقش کوچکی در این میان دارند.

## یادداشت

### کدام تخریب؟ کدام سازمان‌دهی؟

**محمدجواد پهلوان** - طی روزهای گذشته برخی از حامیان ابراهیم رئیسی مدعی شده‌اند که عده‌ای به صورت سازمان‌دهی شده در حال تخریب رئیس‌جمهور هستند. استدلال آنان هم این است که حجم تخریب‌ها بی‌سابقه است و نشانه‌های هماهنگی در آن دیده می‌شود. البته قبل از ورود به بحث اصلی این نکته را باید متذکر شوم که معمولاً در تمام دولت‌ها چنین رفتار و سخنانی را از سوی حامیان آنان شاهد هستیم. حال این که چقدر صحت دارد می‌تواند محل تامل و بررسی باشد. در واقع یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند محل رجوع و نتیجه‌گیری باشد، میزان یک‌دستی حاکمیت است. زمانی که دولت و سایر نهادهای حاکمیتی هم‌عقیده و هم‌فکر هستند، طبعاً طرح سخنانی از قبیل تخریب سازمان‌دهی شده محلی از اعراب ندارد و بیشتر نمایشی رسانه‌ای است. شما زمانی می‌توانید چنین ادعایی را مطرح کنید که دولت با سایر ارگان‌های حاکمیتی زاویه فکری و عملیاتی داشته باشد. نمونه بارز آن را ما در دولت‌های سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی شاهد بودیم. فراموش نباید کرد خدمت تخریب‌های سازمان‌دهی شده در دولت اصلاحات به قدری جدت و حدت داشت که کار به ترویر فیزیکی بزرگ‌ترین تئورسین دولت وقت (سعید حجریان) نیز کشید. یا در دولت حسن روحانی شاهد بودیم در حالی که تیم دیپلماتی کشور در غرب در حال چانه‌زنی‌های نفس‌گیر برای رسیدن به توافق هسته‌ای بود، در داخل کشور عده‌ای در حال تحرکات ایدئولوژیک و شعارهایی تحریک‌آمیز برای طرف‌های مذاکره کننده، بودند تا به نوعی کاشته‌ها و داشته‌های دولت در جریان مذاکرات بر باد رود. وگرنه اینکه چند رسانه رسمی چند انتقاد سبک و آن هم با ترس و لرز به رئیس‌جمهور کنونی می‌کنند، نشان دهنده تخریب سازمان‌دهی شده نیست! اگر هم مراد شبکه‌های اجتماعی است، که باید گفت به نسبت حضور مخالفان و منتقدان چندین برابر افرادی تحت عنوان ارتش سایبری وجود دارند که با گرفتن دستمزد در حال تبلیغات شدید در جهت منویات دولت رئیسی هستند. فلذا باید تاکید کرد فقره تخریب سازمان‌دهی شده هیچ نسبتی با این دولت ندارد.

اما بحث اصلی این یادداشت این نکته است که اگر هم تخریبی در جریان است، این خود رئیس‌جمهور است که در حال تخریب خود است؛ در واقع عملکرد پراشکال و پرتقص ابراهیم رئیسی باعث شده حجم انتقادها و گلایه‌ها از دولت در کف جامعه شدت گرفته و این تصور ایجاد شود که سازمان‌دهی در جریان است. این در حالی است که وضعیت اقتصادی و معیشتی آن‌قدر اسفناک و دلهره‌آور است که جای دفاع و حتی سکوت هم باقی نگذاشته است. این روزها شاهد هستیم که حتی حامیان سفت و سخت دولت رئیسی در جامعه و حتی مجلس هم بر ناتوانی دولت در تمام امور از جمله کنترل قیمت سبب زمینی و پیاز اذعان دارند. بنابراین حامیان رئیسی باید اشکال را در خود و جستجو کنند؛ نه چند رسانه و افرادی که تنها واکنش‌شان انتقاد از شرایط موجود است. از صدر تا ذیل حاکمیت کاملاً همسو با این دولت است و رسانه‌های رسمی نیز موقفی که بنای انتقاد دارند، یکی به میخ می‌زنند یکی هم به نعل. پس دقیقاً مشخص نیست از کدام تخریب سازمان‌دهی شده سخن گفته می‌شود.

به نظر بهتر است مدعیان در این زمینه اطلاعات دقیق‌تر و روشن‌تری را منتشر کرده تا مشخص شود دقیقاً چگونه دولت در معرض تخریب سازمان‌دهی شده قرار گرفته است. هر چند به نظر می‌رسد اگر برای پیداکردن محرک این انتقادات و تخریب‌ها ادعا شده، منصفانه بررسی شود، ما در نهایت به نام «سید ابراهیم رئیسی» می‌رسیم!

## یادداشت

### کدام تخریب؟ کدام سازمان‌دهی؟

**محمدجواد پهلوان** - طی روزهای گذشته برخی از حامیان ابراهیم رئیسی مدعی شده‌اند که عده‌ای به صورت سازمان‌دهی شده در حال تخریب رئیس‌جمهور هستند. استدلال آنان هم این است که حجم تخریب‌ها بی‌سابقه است و نشانه‌های هماهنگی در آن دیده می‌شود. البته قبل از ورود به بحث اصلی این نکته را باید متذکر شوم که معمولاً در تمام دولت‌ها چنین رفتار و سخنانی را از سوی حامیان آنان شاهد هستیم. حال این که چقدر صحت دارد می‌تواند محل تامل و بررسی باشد. در واقع یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند محل رجوع و نتیجه‌گیری باشد، میزان یک‌دستی حاکمیت است. زمانی که دولت و سایر نهادهای حاکمیتی هم‌عقیده و هم‌فکر هستند، طبعاً طرح سخنانی از قبیل تخریب سازمان‌دهی شده محلی از اعراب ندارد و بیشتر نمایشی رسانه‌ای است. شما زمانی می‌توانید چنین ادعایی را مطرح کنید که دولت با سایر ارگان‌های حاکمیتی زاویه فکری و عملیاتی داشته باشد. نمونه بارز آن را ما در دولت‌های سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی شاهد بودیم. فراموش نباید کرد خدمت تخریب‌های سازمان‌دهی شده در دولت اصلاحات به قدری جدت و حدت داشت که کار به ترویر فیزیکی بزرگ‌ترین تئورسین دولت وقت (سعید حجریان) نیز کشید. یا در دولت حسن روحانی شاهد بودیم در حالی که تیم دیپلماتی کشور در غرب در حال چانه‌زنی‌های نفس‌گیر برای رسیدن به توافق هسته‌ای بود، در داخل کشور عده‌ای در حال تحرکات ایدئولوژیک و شعارهایی تحریک‌آمیز برای طرف‌های مذاکره کننده، بودند تا به نوعی کاشته‌ها و داشته‌های دولت در جریان مذاکرات بر باد رود. وگرنه اینکه چند رسانه رسمی چند انتقاد سبک و آن هم با ترس و لرز به رئیس‌جمهور کنونی می‌کنند، نشان دهنده تخریب سازمان‌دهی شده نیست! اگر هم مراد شبکه‌های اجتماعی است، که باید گفت به نسبت حضور مخالفان و منتقدان چندین برابر افرادی تحت عنوان ارتش سایبری وجود دارند که با گرفتن دستمزد در حال تبلیغات شدید در جهت منویات دولت رئیسی هستند. فلذا باید تاکید کرد فقره تخریب سازمان‌دهی شده هیچ نسبتی با این دولت ندارد.

اما بحث اصلی این یادداشت این نکته است که اگر هم تخریبی در جریان است، این خود رئیس‌جمهور است که در حال تخریب خود است؛ در واقع عملکرد پراشکال و پرتقص ابراهیم رئیسی باعث شده حجم انتقادها و گلایه‌ها از دولت در کف جامعه شدت گرفته و این تصور ایجاد شود که سازمان‌دهی در جریان است. این در حالی است که وضعیت اقتصادی و معیشتی آن‌قدر اسفناک و دلهره‌آور است که جای دفاع و حتی سکوت هم باقی نگذاشته است. این روزها شاهد هستیم که حتی حامیان سفت و سخت دولت رئیسی در جامعه و حتی مجلس هم بر ناتوانی دولت در تمام امور از جمله کنترل قیمت سبب زمینی و پیاز اذعان دارند. بنابراین حامیان رئیسی باید اشکال را در خود و جستجو کنند؛ نه چند رسانه و افرادی که تنها واکنش‌شان انتقاد از شرایط موجود است. از صدر تا ذیل حاکمیت کاملاً همسو با این دولت است و رسانه‌های رسمی نیز موقفی که بنای انتقاد دارند، یکی به میخ می‌زنند یکی هم به نعل. پس دقیقاً مشخص نیست از کدام تخریب سازمان‌دهی شده سخن گفته می‌شود.

به نظر بهتر است مدعیان در این زمینه اطلاعات دقیق‌تر و روشن‌تری را منتشر کرده تا مشخص شود دقیقاً چگونه دولت در معرض تخریب سازمان‌دهی شده قرار گرفته است. هر چند به نظر می‌رسد اگر برای پیداکردن محرک این انتقادات و تخریب‌ها ادعا شده، منصفانه بررسی شود، ما در نهایت به نام «سید ابراهیم رئیسی» می‌رسیم!